

اخبار جهان

مطالعه روایت

■ همایش سالانه انجمن بین‌المللی مطالعه روایت از ۱۵ تا ۱۷ مارس ۲۰۱۲ (۲۵ تا ۲۷ اسفند ماه ۱۳۹۰) در شهر لاس وگاس آمریکا برگزار خواهد شد. به گزارش مهر، بر گزار کنندگان این همایش در نظر دارند با گردهم آوردن اساتید و صاحبنظرانی چون استیون میلوکس (دانشگاه لویولا ماریمونت)، رامون سالدیوار (دانشگاه استنفورد) و ونسا شوارتز (دانشگاه کالیفرنیا ی جنوبی) تئوری‌های معاصر روایت را مورد بحث و بررسی قرار دهند. همچنین هیتز دیورا (دانشگاه فوردهام)، مارگارت هوماس (دانشگاه بیل)، دیرده مک‌کولسکی (دانشگاه ایلینویز شیکاگو)، مارک مک‌گورل (دانشگاه کالیفرنیا)، آلن نادل (دانشگاه کنناتکی) و پگی فلان (دانشگاه استنفورد) از دیگر سخنرانان در این همایش خواهند بود.

کارگاه معرفت‌شناسی

■ پنجمین کارگاه سالانه معرفت‌شناسی، نهم و دهم اکتبر ۲۰۱۱ (۱۷ و ۱۸ مهر) در دانشگاه آیووا آمریکا برگزار می‌شود. در این کارگاه معرفت‌شناسان برجسته‌ای چون مایکل دی‌پل (دانشگاه نورث‌دام)، جلیلیان راسل (دانشگاه واشنگتن) و پیتر مارکی (دانشگاه میسوری) حضور دارند. به گزارش مهر، دیگر حاضران این کارگاه دیوید الکساندر (دانشگاه ایالتی آیووا)، فابریزیو کرایانی (دانشگاه نورث وسترن)، مایک تاپلیتام (دانشگاه ویسکانسین) و وین ریگز (دانشگاه اوکلاهما) معرفی شده‌اند. همچنین سخنران ویژه این کارگاه که نهم و دهم اکتبر ۲۰۱۱ (۱۷ و ۱۸ مهر ماه ۱۳۹۰) در دانشگاه آیووا آمریکا برگزار خواهد شد، ریچارد فولی از دانشگاه نیویورک خواهد بود.

بررسی آرای نیچه

■ انجمن نیچه در آمریکای شمالی همایشی را ۱۵ تا ۱۸ فوریه ۲۰۱۲ (۲۶ تا ۲۹ بهمن ۱۳۹۰) با هدف بررسی تمام جنبه‌های فکر فلسفی فردیش ویلهلم نیچه

در شیکاگو برگزار می‌کند. فردریش ویلهلم نیچه فیلسوف شهیر و نامتعارف آلمانی بود که انتقاداتی بنیادین در باب فرهنگ، دین و فلسفه بر مبنای پرسش‌های بنیادینی درباره بنیان ارزش‌ها و اخلاق طرح کرد. نوشته‌های وی سبک تازه‌ای در زبان آلمانی محسوب می‌شد. نوشته‌هایی بسیار ژرف و پر از ایجاز، آمیخته با افکاری انقلابی که بیشتر به گزین گویه می‌مانست، به گزارش مهر، برگزاکتندگان همایش «نیچه» در انجمن نیچه در آمریکای شمالی (NANS) بر آنند تا با گرد هم آوردن اساتید و صاحبنظران گوناگون تمامی جنبه‌های فکر فلسفی این فیلسوف را مورد بررسی قرار دهند.

ایمان، فیلم و فلسفه

■ پنجمین همایش سالانه «ایمان، فیلم و فلسفه» ۳۰ سپتامبر و اول اکتبر ۲۰۱۱ (هشتم و نهم مهر ۱۳۹۰) با همکاری مشترک دو دانشگاه گوتزاکا و دانشگاه وینتورس آمریکا برگزار می‌شود. به گزارش مهر، فیلم یکی از نیرومندترین و مهم‌ترین اشکال فرهنگ عامه محسوب می‌شود که می‌تواند مسایل بسیاری را در رابطه با ایمان و موضوعات فلسفی در خود داشته باشد. این همایش با موضوع «ایمان، فلسفه و رمز و راز در فیلم» امسال به بررسی زائر معمای در فیلم اختصاص دارد که با وجود قدمت آن، یکی از محبوب‌ترین فرهای روایت در جهان معاصر محسوب می‌شود تا آنجا که حتی در این رابطه به عنوان مثال می‌توان به فیلم‌های قدیمی‌ای چون شرلوک هلمز (۱۹۰۳) اشاره کرد.

کارگاه سالانه فرا اخلاق

■ هشتمین کارگاه آموزشی سالانه فرا اخلاق ۱۶ تا ۱۸ سپتامبر ۲۰۱۱ (۲۵ تا ۲۷ شهریور ۹۰) در دانشگاه ویسکانسین آمریکا برگزار می‌شود. این کارگاه با هدف گردهم‌آوردن اساتید و صاحبنظران مختلف در حوزه فلسفه اخلاق جهت بررسی مسایل جدید در زمینه فرا اخلاق، نسبت آن با مباحث متافیزیک، معناشناسی تفسیر و معرفت‌شناسی و همچنین مسایل مربوط به انگیزه‌های اخلاقی و رابطه میان اخلاق و عقل عملی برگزار می‌شود. به گزارش مهر، کریستین کورسگار، استاد فلسفه دانشگاه هاروارد سخنران اصلی این کارگاه آموزشی معرفی شده است. فرا اخلاق تفکر در باب شأن اندیشه اخلاقی است که به بررسی فلسفی در باب ماهیت، معقولیت و منزلت نظام‌ها، معیارها و اصول اخلاقی می‌پردازد. در مقابل فِرا اخلاق، می‌توان از نظریات «اخلاق هنجاری» یاد کرد که درباره خود گزاره‌های اخلاقی بحث می‌کند. در اخلاق هنجاری، احکامی درباره اینکه چه چیز خوب و چه چیز بد است یا چه کاری درست و چه کاری نادرست است، مطرح می‌شود. فرا اخلاق اما در پی آن است تا به فهم این احکام نایل شود؛ یعنی اینکه آیا این گزاره‌ها، گزاره‌هایی واقعی هستند تا قابل صدق و کذب باشند یا اینکه اصلاً گزاره محسوب نمی‌شوند؛ اینکه آیا ذهنی هستند یا عینی و آیا می‌توان رابطهای میان آنها و انگیزش اخلاقی یافت.

گروه اندیشه: سخنرانی کریم مجتهدی در انجمن جامعه‌شناسی یکسر به مرور تاریخ مرنیته گذشت. موضوعی که دیگر برای همگان از فرط تکرار خسته‌کننده شده است. با این‌همه پیش‌فرض مجتهدی سخنرانی در جمع دانشجویان جامعه‌شناسی بود که نسبت مستقیمی با فلسفه ندارند. حتی اگر چنین باشد باز هم فرقی نمی‌کند؛ آنقدر در این سال‌ها از مدرنیت و سرچشمه‌های آن گفته شده که دیگر کمتر کسی با آن ناآشناست؛ اینکه مدرنیت، یا به قول مجتهدی تجدد، از کی شروع شد، چه تأثیر و تأثراتی بر نحوه زیست آدمیان گذاشت و نهایتاً به کجا ختم شد. مجتهدی در نشست «فلسفه و تجدد» از منظری فلسفی و با نگاهی کلی مروری بر موضوعات مذکور داشت و بعد از آن پرسش و پاسخی نه چندان مفصل.

مقدمه کریم مجتهدی اشرارهای بود به تغییر کلمات در دوره‌های مختلف تاریخی و نیز ذکر مثال‌هایی از اسلاق واژه متجدد به گروه‌های مختلف و بعضاً متضاد در هر دورای. مجتهدی سپس از رنسانس آغاز و به چند اتفاق تاریخی مشخص اشاره کرد: سقوط قسطنطنیه، کشف باروت، پیشرفت صنایع و غیره. اینها اتفاقاتی است که از نظر مورخان، جهان جدید را از جهان قدیم متمایز می‌کند. در این جهان جدید فیلسوف-جامعه‌شناسان در پی آرمان شهر هستند، اما در معنایی متفاوت از مدینه فاضله افلاطونی-ارسطویی. نگاه ارسطویی به جهان و نیز طبیعیات بطلمیوسی به‌هم می‌یزد و نگاه جدیدی شکل می‌گیرد. بدین‌قرار جهان نو با نگاه و تفکری جدید شکل می‌گیرد. از نظر مجتهدی، چنانکه به‌زم بیشتر تاریخ‌فلسفه‌نویسان، روح رنسانس را پیش از همه می‌توان در آثار فرانسیس بیکن یافت. اثر مهم بیکن «ارغون نو» نام دارد که تعریضی است به «ارغون» ارسطو؛ بدین‌معنا که نظم سابق دیگر جابگو نیست و باید نظامی نو در انداخت. این نظم نوین منطق جدیدی را به بار می‌آورد. در نتیجه این نگاه، عقل باید در مقابل قوانین طبیعت سر تعظیم فرود آورد. پس، به این بیان، بیکن روش جدید علوم را شکل می‌دهد. شعار مشهور

او «دانایی توانایی است» به نوعی فلسفه فایده‌مند در عمل می‌انجامد. از این شعار تا ترویج صنعت و تسلط بر جهان راه چندان نیست. مجتهدی در ادامه بحث خود کشف آمریکا را نتیجه‌نگاهی می‌داند که در صدد سلطه و تسلط بر جهان است. «جغرافیا» رشته‌ای است که در این دوره اهمیت کانونی می‌یابد؛ چرا که جهان تبدیل به شییی می‌شود که باید از آن بهره گرفت. پس از رنسانس اولویت با علم است؛ نمونه کامل علم و صورت آرمانی آن نیز «فیزیک نیوتنی» مجتهدی، بنا به حضور در جمع دانشجویان جامعه‌شناسی، به جمله‌ای از اگوست کنت اشاره می‌کند که در آن به عوض «جامعه‌شناسی» از «فیزیک اجتماعی» نام می‌برد. چنین تغییر واژگانی نشانگر بدل شدن فیزیک نیوتنی به علم معیار آن دوره است. در واقع کنت می‌خواهد، بگوید مطالعات من در جامعه‌شناسی همانقدر معتبر است که فیزیک نیوتنی. چنین اظهار نظری خود گواه اهمیت نیوتن و تبدیل او به مقیاس سنجش اعتبار علوم است. با این توصیفات، مجتهدی به سراغ «روشنگری» در قرن هجدهم ی‌رود. به گمان او واژه روشنگری، خواه در فرانسوی (Lumières)خواه در انگلیسی (Enlightenment) خواه آلمانی (Aufklärung)، خود بیانگر عصری است که این نام بر آن نهاده شده است. ما به عصری

رسیده‌ایم که همه‌چیز در آن واضح و روشن شده است. حال که اصول و روش علم تا بدین‌حد روشن است زمان آن رسیده که به بسط و گسترش آن بپردازیم. بدین‌ترتیب اصحاب دایره‌المعارف شروع به گسترش اطلاعات در همه زمینه‌ها می‌کنند. دایره‌المعارف‌نویسی خودمظهر مدرنیت و تجدد است. البته این کار در فرانسه

نشست «فلسفه و تجدد» با سخنرانی کریم مجتهدی

از بدیهی بی‌رهیز

چندان هم به آسانی صورت نمی‌گیرد و عده‌ای به مخالفت با آن بر می‌خیزند. از همین‌روست که انتشار دایره‌المعارف‌ها حدود ۱۶ سال به طول می‌انجامد. مجتهدی در بخش دیگری از سخنان خود به سراغ روشنگری در سه حوزه مهم انگلستان، فرانسه و آلمان می‌رود. شاخص روشنگری در انگلستان «انقلاب صنعتی»، در فرانسه «انقلاب سیاسی-اجتماعی» و در آلمان «هشت فکری- فرهنگی» است. در این میان نحوه برخورد آلمان با روشنگری، به گفته مجتهدی، نیازمند تامل بیشتری است چرا که در آلمان نوعی استبداد منور صورت می‌پذیرد. بدین‌معنا که فردریک دوم در تلاش است؛ روشنگری را با استبداد در هم آمیزد و گونه‌ای تجدد استبدادی به‌وجود آورد. در نتیجه آنچه در آلمان رخ می‌دهد نهضتی فرهنگی است که



نشست «تاملاتی بر تاملات دکارت» با حضور رضا داوری و حمید طالب‌زاده در شهر کتاب

پرسش از فیلسوف موسی

دکارت نظراتش را جایگزین دیدگاه‌های ارسطو کرد
رضا داوری اردکانی، استاد فلسفه دانشگاه تهران با بیان اینکه «وقتی آقای شهرآیینی موضوع پایان‌نامه دکتری‌شان را مطرح کردند، من این اراده را به ایهام و به اراده الهی که دکارت با ارسطو کرد» افزود: «دکارت فقط ارسطو را نقد نکرد، چرا که در همه نوشته‌هایش، به‌خصوص در تاملات، ارسطو را در نظر داشت و نظری را جایگزین نظر وی می‌کرد. بعضی جاها این جایگزین کردن در اصول است و برخی جاها در فروع و نتایج».

داوری به تاملات دکارت در باب قوه حکم پرداخت و گفت: «ارسطو حکم را حکم عقل می‌دانست و عاقل را حاکم می‌شمرد. این مسأله برای کانت هم مطرح بود و او هم از قوه حکم حرف زده است. ارسطو و سایر فلاسفه حکم را حق و شأن عقل می‌دانستند و عقل را مقدم بر اراده می‌شمردند. از افلاطون تا آخرین تفکر در فلسفه اسلامی».



از بودنم عذر می‌خواهم

نشست هفته گذشته شهر کتاب با حاشیه‌هایی نیز همراه بود. رضا داوری پیش از شروع بحث خود نکاتی را گفت که خواندن آنها خالی از لطف نیست:

- متأسفانه زبان من زبان سوءتفاهم است و من از رسم رایج زبان تبعیت نمی‌کنم. در هلسای که دو هفته پیش در همین شهر کتاب برگزار شد از من سوال شد که شما گفتاید مدرنیت به بن‌بست رسیده و من گفتم اگر من چنین تعبیری را گفت‌ام عذر می‌خواهم. یکی از سایت‌ها نوشته است، داوری از گذشته خود عذرخواهی کرده است. اگر چنین باشد من حاضر نم به فقط از گذشته بلکه از بودنم هم عذر بخواهم.
- امروز دیگر حقیقتاً پیر شدم و در حالی که جامعه بر است از مشکلات فلسفی که دیگر وقت و توان پرداختن به آنها را ندارم. من بیماری‌های فلسفی دارم. کوچک‌ترین مسایل جامعه برایم از نگاه فلسفی قابل تحلیل است.
- اخیراً بیماری داشتم که در یک بیمارستان عمل شدم. مدتی که در این بیمارستان بسیار خصوصی بودم، واقعاً روحیه‌ام به هم ریخت. هنوز هم به هم ریختم. چرا؟ چون وقتی اثرات توسعه‌یافتگی را در یک بیمارستان خصوصی می‌بینم، تحلم طاق می‌شود چون بر عکس همه کسانی که مسایل کوچک برای‌شان اهمیت ندارد و فقط به مسایل بزرگ فکر می‌کنند، برای من، مسایل کوچک اهمیت دارد.

- توسعه‌یافتگی یکی از مشکلات جدی جامعه و مدیریت در ایران است. تا وقتی مدیران جامعه فقط به مسایل کلان فکر کنند و به اجزاء و جزئیات امور توجه نکنند، هیچ مسأله‌ای در این کشور درست نمی‌شود. من در سیر تفکر توسعه به این نتیجه رسید‌ام که آنها که به مسایل کوچک توجه نشان نمی‌دهند، هیچ مسأله‌ای را حل نمی‌کنند.
- مشکل اینجاست که وقتی یک نفر را قبول نداریم، دیگر انگار برای او باید احترام قابل بشویم. مثلاً من اگر بسیاری از اندیشه‌های فروید را قبول ندارم آیا به این معناست که برای فروید احترام قابل نیست؟ ممکن است من با فلان متفکر موافق یا مخالف باشم، اما این یعنی او احترام ندارد؟ یا او مرد یا زن بزرگی نیست؟ باید یاد بگیریم و به جامعه یاد بدهیم که ممکن است کسی را قبول نداشته باشی اما باید به او احترام بگذاریم.

نمایندگان شاخص آن فیخته، هگل و شلینگ هستند. این نهضت توفان و جبهشی روحی در فرهنگ آلمان آن دوره ایجاد می‌کند. بخش پایانی صحبت کریم مجتهدی هم به کانت و نقش او در روشنگری اختصاص می‌یابد. به‌زم او، کانت نیز در نهایت نیوتن‌زده و سرتاسر فلسفه‌اش تحلیل نیوتن است؛ تنها در فلسفه اخلاق از رویکرد نیوتنی فاصله می‌گیرد. چنانکه مشهور است کانت رساله‌ای دارد با عنوان «روشنگری چیست؟» ماجرای این رساله از این قرار است که در روزنامه‌ای بحثی درباره «ازدواج عرفی» در می‌گیرد. یک کشیش پروتستان مقاله‌ای می‌نویسد با عنوان «آیا روشنگری این است؟» پس از آن مندلسون و کانت نیز در همین باره مطالبی را می‌نویسند.

کانت در رساله خود روشنگر را کسی می‌داند که از قیمومیت دیگری آزاد و بالغ است. بدین‌ترتیب روشنگری در نظر کانت انکای صرف به عقل انسان بالغ است و نه هیچ نیروی بیرونی. مجتهدی این دیدگاه کانت را نقد می‌کند و به مقایسه او با دکارت می‌پردازد. جمله مشهور دکارت را می‌توان با کانت مقایسه کرد: «آن چیزی را بپذیر که برای تو واضح و متمایز باشد».

به باور مجتهدی نظر دکارت ژرف‌تر و عمیق‌تر از کانت است. «امر بدیهی و واضح را بپذیر و از سبق ذهن و پیش‌داوری و شتاب‌زدگی بی‌رهیز». مجتهدی در پایان سخنان خود تعریضی هم به دعوی سنت و تجدد دارد. او این دو مقوله را به دو قسم اصیل و کاذب تقسیم می‌کند و بر این باور است تنها راه نجات تر کتب «سنت اصیل» با «تجدد اصیل» است. سواى بحث از اینکه این ترکیب چگونه صورت می‌گیرد، مسأله این است که این دو اصطلاح خودساخته اصلاً چه هستند و در کجا یافت می‌شوند. پرسشی که همچنان پس از سال‌ها برگزاری همایش، سخنرانی و نشست درباره مدرنیسم، تجدد و بی‌اسخ مانده است. چرخشی در جمله دکارت بعد از این همه سال ضروری است: «امر بدیهی و واضح، از توضیح و اوضاحت بی‌رهیز».

آرمان شهر اندیشی

میثم سامان‌پور

■ درست همان‌طور که بازی‌های سیتی‌ویل (CityVille) اکسون بالغ بر ۱۶ میلیون نفر در جهان آن را بازی کرده‌اند) بیانگر درهم‌تنیدگی میل پیشرفت و چرخش سرمایه است، خود این نوع بازی‌ها گواهی هستند بر دیدانکتیک سرمایه در جامعه سرمایه‌داری متأخر. بازی سیتی‌ویل در عمیق‌ترین لایه‌های پیوند نزدیکی با منطق چرخش سرمایه دارد. حقایق و ماجراهایش همان‌طور که روح یک جامعه سرمایه‌دارانه-لیبرالی را در خود دارد همچون همتایان واقعی‌اش در تضاد با اصول و دعوی خود آن نظام است. هرچند اشاره مستقیم و نظام‌مند به آرمان‌شهر نظام سرمایه‌دار-لیبرالی نشده است، اما این آرمان شهر به طور ضمنی در مناسبات و ایده‌های نظام مستقر فعلی وجود دارد و تبلیغ می‌شود. این تصور که چرخش آزاد سرمایه می‌تواند کلی خودبسنده بسازد، گمراه‌کننده است. گفتار سرمایه حتی اگر از قبل کلی را پیش‌فرض نگیرد آن را به‌طور مصنوعی می‌سازد. این گفتار با به‌کارگیری شکل روش و بدون رمز و راز بازنمایی‌اش نظام سرمایه را امری بدیهی برای انگیزه و پیشرفت در جامعه معرفی می‌کند. گویی انگیزه‌ها همه در گرو یک چیز است، سرمایه.

آرمان‌شهرهای کاپیتالیستی در بازی‌ها (بازی سیتی‌ویل (CityVille، بازی The Sims) برنامه‌های تلویزیونی (مانند پولدارترین‌ها، ثروتمندترین جوانان (جهان) به‌طور کامل و آشکار بازنمایی می‌شود. سرمایه‌داری خواسته یا ناخواسته از همان دوران کودکی به شما می‌آموزد که برای ساختن یک آرمان‌شهر باید از همین مناسبات و ابزارهای موجود استفاده کنید و نمی‌توانید چیزی از نو بسازید. جمله «خانم X پنج میلیون دلار پول دارم پس هر آرزویی که یک دختر جوان می‌تواند داشته باشد، برایش محقق شده است» که در برنامه پولدارترین‌ها به زبان آمده است با فرآیندهای موفقیت کودکی که در حال بازی The Sims

است و پیشرفت و ترقی شهر در بازی سیتی‌ویل همه و همه ریشه در یک منطق دارند. منطق این همانی پیشرفت و سرمایه با حادثه آن حیات و سرمایه.

کودکی که The Sims بازی می‌کند باید بداند که برای رسیدن به یک جامعه مطلوب و آرمانی‌اش باید آرام‌آرام به جمع‌کردن سرمایه مشغول شود. تحقق تمام پیشرفت‌ها و موفقیت‌های اجتماعی، شخصی و احساسی در این بازی با سرمایه گره خورده است. اگر در این بازی به درآمد و کار فکر نکنی شخصیت‌های بازی آرام‌آرام می‌میرند. هیچ نظام یا سازمان یا فردی نیست که به شما کمک کند از گرسنگی تلف نشوید. دوستان و همسایه‌ها را به بازی تنها برای خوشگذرانی‌ها و میهمانی‌ها کاربزد دارند.

قهرمان بازی سیتی‌ویل که شما هستید به‌مشابه نمونه‌اولین فرد بورژوا ظاهر می‌شود. شهری در دست شماست که آن را همچون فائوست گوته بسازید و بالا ببرید اما به شکل زهرزایی‌شده چون در ابتدا با نفی اولیه دیگر سیر و کار ندارید و نباید همچون فائوست خانه‌های خود را بر ویرانه‌ها بنیان کنید در بالای صفحه مخزن‌های انرژی، پول و خانه سکه هستند؛ گویی باید آنها را پر کرد. همچنان که این مخزن‌ها پر می‌شوند، جمعیت شکل می‌گیرد، ساخت‌وساز انجام می‌شود و شهر متمدن و تمدن‌تر می‌شود. با هم این همانی چرخش سرمایه و ترقی و سعادت است. همین گونه که کاپیتالیسم برای بقا باید در لحظات اصلی خود را به حالت تعلیق درآورد و خدماتی ارائه دهد که بر طبق اصول چرخش سرمایه زیان‌برآورد، در این بازی نیز همین وضعیت تکرار می‌شود. شما ناگهان با جایزه مواجه می‌شوید که سیستم به‌طور خودکار به شما می‌دهد یا از دوستان دیگر در یافت‌شان می‌کیند.

منطق بازی کاملاً همسو با منطق واقعیت است، کشاورزی می‌کنید و مواد اولیه به دست می‌آورد، مواد اولیه، را به واحدهای تجاری می‌دهید و بعد از مدتی سکه دریافت می‌کنید. دو نوع پول در بازی در جریان است. یکی سکه و دیگری اسکلس. نکته اصلی در این نهفته است که بیشتر چیزهایی را که در بازی وجود دارد، می‌توانید با سکه اما نقاط عطف بازی را باید با اسکلس بخرید. اینجاست که خودبسنده بودن سیستم کاملاً معلق می‌شود چون برای خرید اسکلس باید پول واقعی و از بیرون پرداخت کنید و اگر این کار را نکنید، باید بتوانید برای سیستم بازاریابی کنید تا سیستم به شما اجازه پیشرفت بدهد در غیر این صورت اصلانی‌توانید به مرحله بعد بروید.

نظام بازار آزاد که به ظاهر خودبسنده است، درست در لحظات بحرانی سیستم‌های بانکی در حال فروپاشی را با سرمایه همان کسانی نگه می‌دارد که به آن سیستم به‌دکارند. نمونه کامل آن در بحران‌های اقتصادی بارز است. باید پرسید که آیا قرار بر این نبود که چرخش آزادانه سرمایه با کالا به شکل مستقل صورت گیرد؟ آیا اصالت بازار آزاد در این نبود که این نظام خود می‌تواند خود را اداره کند و نباید از بیرون چیزی بر آن افزوده شود؟ نظام سرمایه‌داری هنگام بحران دست به همان کاری می‌زند که در طول تاریخ سرمایه‌داری سوسیالیستی را به آن متهم کرده است. این عبارت قدیمی و تکراری که سوداگر را راضی‌ان ا صاحبان ابزار تولید می‌برند، هنوز هم صادق و محکم‌تر از گذشته است. در این بازی شرکت تولیدکننده باید سود کند. پس باید پولی از بیرون وارد سیستم شود.

نکته اصلی در این است که در نظام سرمایه‌دارانه تمام بازتاب‌های ایده آرمان‌شهر مستقیم به اندیشه‌ها و وضعیت مستقر وصل می‌شود، در حالی که آرمان‌شهر را باید با تخیل و هنر ساخت. اما آرمان‌شهر جایی عجیب و عاری از ابزارهای موجود نیست، جامعه کامل می‌تواند همین جامعه موجود به همراه ایده‌هایش باشد، اما تغییراتی ریشه‌ای و رادیکال در مناسبات آن صورت گرفته باشد.